

فرایند شکل گیری و رشد انسان

بر اساس ترجمه تفسیر وزین المیزان

The Process of Human Formation and growth

Based on the translation of Al-mizan commentary

پیدایش تکوینی، ماهیت نفس، ساختار شخصیت، گستره تکلیف و اختیار، نقش فردی و جمعی،
حیطه آزادی، رشد معنوی، گرایش‌های اجتماعی، روان‌شناسی و سرانجام او در حیات برتر (آخرت)

تألیف: حکیم علامه محمد حسین طباطبایی رضوان الله تعالی علیه
مترجم: استاد سید محمد باقر موسوی همدانی رحمت الله علیه

این ترجمه تفسیر المیزان از سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید مرتضی آوینی
(AVINY.COM) با حفظ امانت برداشت شده است

م.ن. تسکین دوست

سرشناسه: تسکین دوست، محمدنقی، ۱۳۴۴

عنوان قراردادی: المیزان فی تفسیر القرآن، فارسی، برگزیده، شرح

عنوان و نام پدیدآور: فرایند شکل گیری و رشد انسان بر اساس ترجمه تفسیر وزین المیزان:

پیدایش تکوینی، ماهیت نفس، ساختار شخصیت، گستره تکلیف و اختیار...

/The Process of Human Formation and growth Based on the translation of Almizan's commentary

تالیف محمدحسین طباطبائی؛ مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ تحقیق و تدوین محمدنقی تسکین دوست،

مشخصات نشر: تهران: انتشارات زیارت، ۱۳۹۹. مشخصات ظاهری: ۹۶۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۵-۹۶-۷ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر بر اساس کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر سیدمحمدحسین طباطبائی *

با ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی است.

موضوع: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰، المیزان فی تفسیر القرآن - نقد و تفسیر

موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ موضوع: Qur'an - Shiite hermeneutics - 20th century

موضوع: انسان شناسی - جنبه های قرآنی موضوع: Anthropology - Qur'anic teaching

موضوع: انسان شناسی - جنبه های مذهبی - اسلام موضوع: Anthropology - Religious aspects - Islam

موضوع: انسان - تکامل - جنبه های قرآنی موضوع: Human evolution - Qur'anic teaching

موضوع: انسان - تکامل - جنبه های مذهبی - اسلام موضوع: Human evolution - Religious aspects - Islam

بر اساس افزوده: موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹، مترجم

سازمان: ده، طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰، المیزان فی تفسیر القرآن، برگزیده، شرح

رده بندی کنگر: B۱ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۰۰۸۳۰

فرایند شکل گیری و رشد انسان

بر اساس تفسیر وزین المیزان

تحقیق و تدوین محمدنقی تسکین دوست
شمارگان جلد ۲۵۰
چاپ اول تابستان ۱۳۹۹
چاپ و صحافی سپیدان



انتشارات
زیارت

TAKETAB.IR

بامعاری

پیام
بهاران



تلفن: ۳۳۹۳۵۷۰۳ - ۳۳۹۹۸۷۵۲ - ۳۳۹۰۴۹۹۵

موبایل: ۰۹۳۹۱۲۲۴۸۱۰ - ۰۹۱۰۴۴۴۶۰۱۰

نمابر: ۳۳۹۵۷۴۶۹

فهرست عناوین کلی

پیشگفتار.....	ص ۹
فهرست عناوین تفصیلی فصل های کتاب.....	ص ۲۳
فصل اول..... پیدایش و شکل گیری تکوینی انسان.....	ص ۲۹
فصل دوم..... سامت و نقش غیر مادی بودن نفس در ترکیب انسان.....	ص ۱۰۷
فصل سوم..... ساختار شخصیت و عملگرایی انسان.....	ص ۲۴۹
فصل چهارم..... اذن الهی و گستره تکلیف انسان.....	ص ۴۴۱
فصل پنجم..... حتمیت و نمودار نظام خلقت و نقش انسان.....	ص ۴۷۳
فصل ششم..... عوامل تأثیر گزار و مرتبه بر اختیار و آزادی انسان.....	ص ۵۲۹
فصل هفتم..... سنن الهی در جهت امتحان و هدایت و ارتقاء رشد انسان.....	ص ۶۰۵
فصل هشتم..... گرایشات انسان در مسیر تحولات حیات اجتماعی.....	ص ۶۶۹
فصل نهم..... رفتار شناسی انسان در قالب عمل و تأثیر عمل.....	ص ۸۲۹
فصل دهم..... سرانجام زندگی انسان در دوران حیات بربر.....	ص ۹۰۵
آخرین صفحه.....	ص ۹۶۰

پیشگفتار

انسان را به ناچار باید شناخت، چون کسی که باید انسان را بشناسد خود انسان است و این شناخت برای زندگی بهتر و متعالی تر او امری ضروری و برای همه انسانها در اولویت است. اگر انسان خوب شناخته نشود و پی به توانایی محدودی درونی و بیرونی آن نبریم و بعد بخواهیم برای او تکلیف و قانون وضع کنیم و از او بخواهیم تا براساس آن عمل کند و دست به ابتکار و خلاقیت و نوآوری در مدنیت و شهرنشینی بزند، امری ناقص و به هدف اصالت و حقیقت منجر نمی گردد. حال اگر ناقص و ناکافی در انسان اطلاعاتی به دست آید و طبق آن دست به کاری و ساختی در باره او بزنیم ما را قانع نمی کند. چون در مسیر واقعیتهای گام نگزاده ایم، شناخت ناقص دارای نتیجه ناقص و معیوب خواهد داشت.

در چند زاویه و دیدگاه می توان در رابطه با شناخت حقیقت وجودی انسان را مورد بررسی قرار داد:

۱- انسان را باید شناخت؟

شناخت انسان برای شناخت توانمندیها و استعدادهای فراوان انسانی است و این یک امر طبیعی و عادی است که انسان سعی در شناخت خود داشته باشد تا قادر به تشخیص آفرینی و رفع کننده نیازهای مادی و روانی خود باشد و در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد و اگر بشر به شناخت عمیق و بی جا نرسیده اند در این محورها بوده است.

تاریخ زندگی انسان دارای تغییرات اساسی است و ملتها تحت تعالیم و تربیت و راه های گوناگون می روند و به تدریج وجه اشتراک خود را کمتر می کنند و اگر در شناخت انسانها با هم هم نظر باشند این تفاوتها کمتر هم خواهد شد و برعکس وجه مشترک که می تواند سرآغاز وحدت و همکاری باشد روز افزون خواهد شد و این همان رویه ای است که ما بشر به دنبال آن هستیم تا مشکلات پیش آمده را -با این به اصلاح هم افزایی- بهبود بخشیم.

به نظر نمی رسد که در محتوای بشر دیروز با بشر امروز در ماهیت فطرت و آفرینش خود تفاوت چندانی کرده باشد ولی شناخت دقیق انسان به طوری که تلقی ها و تئوریهای اشتباه در تحلیل آن وجود نداشته باشد، می تواند طریق درستی پیش پای ما بگذارد و انسان را به خوبی نشان دهد و چنین انسانی قابل برنامه ریزی و چیدمان در داخل فردیت و زندگی اجتماعی باشد و در این صورت رشد و ترقی برای او اتفاق بیفتد و از هر گونه انحطاط و پس روی او جلوگیری به عمل آید.

حيوانات اگر تابع قانونی هم هستند از روی غریزه انجام می دهند و برای انجام آن رفتار اجتماعی آموزش خاصی در مکتبی و دانشگاهی نمی بینند بر خلاف آن، انسان باید این آموزشها را ببیند تا با آن نقش های فردی و اجتماعی آشنا شود. چون ماهیت وجودی انسان او را آموزش پذیر نموده است و در این راستا همه امور بر اساس غریزه درونی او نیست بلکه به کسب و درک علمی و آگاهی و تلاش و مجاهدت او هم وابسته است.

در طول تاریخ تحولات اجتماعی انسان، مکتبهای فکری، فلاسفه و حکمای بشری نظرات بسیاری در باره انسان داشته اند و برطبق همان باورها انسان را تعریف و بر اساس آن تعریفها زندگی اجتماعی و حتی فردی را بوجود آورده اند و انسان را دچار بلاها و مشکلات عدیده ای قرار داده اند. در این محور اگر نگاهی به مستبدین و تجاوزکاران تاریخ داشته باشیم می بینیم اقتدار و زورگویی و ظلم بر بشریت را برای خود تعریف نموده اند و نوع انسان نمی دانست که با این بی منطقی و رفتار زشت غیرعقلانه چگونه برخورد کند و خوب را از آن مخمصه ها نجات دهد!! و به راحتی قابل درک است که بدون دانشهای مربوط به ماهیت وجودی انسان قادر نخواهیم بود انسان را دقیق بشناسیم و برای او تصمیم گیری نماییم.

۲- راه هایی که می توان به خاصیت انسان پی برد.

انسان یک موجود شگفت انگیزه دارد. پیچیدگی خاصی است و درعین حال از استعدادهای فراوانی برای تکامل خود برخوردار است و در مواقع خفا و سواری لیاقتهای زیادی برای برونرفت از آن مشکلات از خود نشان می دهد که مایه تعجب و شگفتی است که نشان دهنده فراست و طبع بلند و توانمندیهای فراوانی است که در او ذخیره شده است.

در رابطه با ابزارهای شناختی که انسان تا کنون به دست آورده است، می توان از علم، عقل، شهود عرفانی، وحی... نام برد. چون بشر با ابزار علم و دانایی خود که به کمک با حس، تجربه و آزمایش تا حدودی به شناخت انسان موفق شده است و بر همان مبنا به قانونگزاری و برزخ برتری اجتماعی، اخلاقی و وظائف فردی و خانوادگی و غیره پرداخته است و جوامع بشری را این گونه پیش برداشته است ولی این نتایج برای شناخت کامل انسان کفایت نمی کند. بلکه از زاویه خاص و محدودی به او پرداخته شده است و همه ابعاد او را در بر نمی گیرد.

بعضی از فیلسوفان مثل فیلسوفانی و دانایانی که در چین، هند، یونان، روم قدیم نظراتی پیرامون انسان داشته اند و نگاهی خاصی دارند انسان، جهان، حکومت و جامعه را تعریف و اجرا کرده اند و از آنان تمدنهایی در تاریخ زندگی بشر اتفاق افتاده و آثاری از آنان با تغییرات و تحولاتی در این عصر و زمان دیده می شوند. به هر حال پس از گذشت تحولات زمان این تمدنها تأثیر پذیرفتند و دگرگون شدند و شاید چیزی از آنان مثل سابق نمانده است!!